



تبیین آثار اقتصادی و اجتماعی ربا با تأکید بر نقش ادبیات فارسی (مطالعه موردی: آثار مؤلفان ایران و تاجیکستان)

مرجان مدنی گرکانی^۱
عمر صفر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

چکیده

موضوع پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی اثر صدرالدین عینی با عنوان «مرگ سودخور» یا همان ربا خور، و از سوی داستان «حاجی آقا» اثر صادق هدایت است، که به اتکاء تشابه و تضاد و همچنین استعاره های بکار رفته در هریک از این تألیفات در رابطه با آثار منفی اقتصادی و اجتماعی ربا به اشتراکات فرهنگی و مذهبی هر دو ملت ایران و تاجیکستان در این خصوص اشاره شود، «مرگ سودخور» صدرالدین عینی در ادبیات تاجیکی زمان شوروی سابق به عنوان بهترین اثر واقع‌گرایانه در پیشبرد و بالا رفتن ارزش نثر مدرن تاجیکی مساعدت‌ها نموده است. «حاجی آقا» صادق هدایت نیز از آثار استثنایی است، که از طرز و شیوه خاص مؤلف، هنر واقع‌گرایانه او گواهی می‌دهد. و این آثار نه تنها اثرهای با ارزش این ادبیات‌ها شناخته شده‌اند، بلکه بیانگر سبک و روش خاص، بخصوص نمونه بارزی از مکتب واقع‌گرایی در نثر فارسی‌زبانان بشمار می‌آیند. پس می‌توان گفت، که ادبیات فارسی تاجیکی و ایرانی لایق این است که از دیدگاه مقایسه‌ای و تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد تا عمومیت و وجوه اشتراکی، که در آنها هست، آشکار گردد. اساس متدولوژی این تحقیق تحلیل تاریخی-مقایسه‌ای می‌باشد. تطبیق یا مقایسه منبع سرشار از منابع معرفت بشری است. انسان در بررسی‌های مختلف و متنوع خود مقایسه و تطبیق را راهی برای دستیابی به حقایق اصیل مربوط به حوزه‌های پژوهش خود برگزیده است. اهمیت نقد تطبیقی بدان جهت است، که از سرچشمه‌های جریانهای فکری و هنری ادبیات پرده بر می‌دارد. نتیجه تحقیق حاضر نشان گر آن است که داستان‌های مذکور پیش از همه، از جهت مضمون و محتوا و مسائل مورد تصویر به هم شباهت‌های زیادی دارند. نویسندگان موضوع سودخوری (ربا خواری) در آسیای مرکزی و ایران را به تصویر کشیده و ماهیت مضر آن را در حیات اقتصادی و زندگی مردم نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد اسلامی، ادبیات فارسی، ربا خواری.

طبقه بندی JEL: G39, Z10, Z00

۱ گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان.

Marjan.Madani2022@gmail.com

۲ گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی تاجیکستان، دوشنبه، تاجیکستان (نویسنده مسئول)

umarsafar@yahoo.com

۱- مقدمه

در طول تاریخ دو رابطه بین اقتصاد و ادبیات وجود داشته که بسیار مورد توجه متفکرین و مورخین قرار گرفته است. شاید این جمله را شنیده باشید که کسانی که زبان مادری شان را بهتر می دانند و دارای قدرت کلام بالاتری هستند، موفق تر عمل می کنند. در مدیریت امروز اگر بخواهند برای یک کار اقتصادی بزرگ مدیری را انتخاب کنند، به نمرات و دانشگاهی که فرد از آن فارغ التحصیل شده توجهی ندارند؛ حتی به تجربه ی کاری فرد هم توجه آن چنانی ندارند. بلکه افراد مورد نظر را پنج نفر، پنج نفر دور هم نشانده و موضوعی را مطرح کرده، آن کسی که بتواند بحث را در دست بگیرد، بالای سر دیگران قرار می گیرد؛ چون توانسته بحث را هدایت کند، پس به عنوان مدیر برگزیده می شود. این فرد کسی است که ادبیات بهتری دارد و بهتر می تواند صحبت کند و دامنه و گستره لغات و ترکیباتش بیشتر از سایرین است. در عین حال گاهی پیش می آید که یک کارفرما در یک بن بست اقتصادی با کارگرا قرار می گیرد که اگر بتواند درست با آنها صحبت کند، راه حل پیدا شده و مشکل راحت تر حل می گردد. شما ممکن است معلم ادبیات نباشید و ادبیات نخوانده باشید، ولی خواسته یا ناخواسته با ادبیات آشنا هستید، یعنی ادبیات ضمیر شما را پر کرده است ادبیات به نوعی موجب غنی تر شدن فرهنگ ارتباطی و فرهنگ زندگی ما در مناسبات اجتماعی می شود و همین نقطه ی همپوشانی و نزدیکی به اقتصاد است. این امر بویژه در کشورهایی که دارای اشتراکات زبانی و فرهنگی هستند نیز از اهمیت دو چندانی برخوردار خواهد بود. ادبیات ایران و تمام کشورهای فارسی زبان، حاوی مضامین و مفاهیم بلند و متعالی است که اگر مورد توجه قرار گیرد و اگر به اعماق جامعه راه یابد، اثرات شگرفی خواهد داشت. اگر امروز اقتصاد ما دچار مشکلات فراوانی است، اگر آثار ادبی ما خواننده های ندارد، به خاطر عدم درک رابطه بین این دو حوزه می باشد که در صورت ایجاد رابطه نفع آن برای هر دو بخش خواهد بود. این امر در میان کشورهای فارسی زبان و حتی کشورهایی که از زبان فارسی اثر پذیرفته اند مانند کشور پرمجمیتی مانند هندوستان، به این دلایل که هم کاربردهای اجتماعی - فرهنگی ادبیات را نمایان می سازد و هم اقتصاد از امکانات و فضاهایی که ادبیات ایجاد کرده، می تواند به سمت توسعه حرکت می کند.

بیان مسأله:

مسئله روابط ادبیات مردم فارسی زبان مقوله خاصی است که شاید در جهان نظیر نداشته باشد. زیرا می توان گفت این ادبیات، از آغاز ظهور خود تا به امروز دائما در ارتباط و همسانی بوده است. شاید سبب این ارتباط همیشگی این است که گذشتگان ما، ایرانیان و تاجیک ها، در ابتدای راه ادبیاتی بزرگ همراه با زبان غنی و توانایی خلق کردند، که نه تنها آن را می توان یادگار ماندگار ادبی و فرهنگی و حتی اقتصادی دانست که معنویت و هویت و ارزش های زندگی مادی مردمان را شکل می دهد و از آن رو نمی توان آن را فراموش کرد و در همه حال روزگار ما همیشه حضور دارد، بلکه آن چون کهن الگو است، که در ضمیر ناخودآگاه ما نهفته و در لحظه های ضروری به کمک مردم ما می آید.

همچنین در زمان جدایی اجباری سیاسی، اقتصادی و مذهبی، که حدود پانصد سال پیش یعنی بعد از قرن ۱۶ میلادی به میان آمد و یا در قرن ۲۰، در زمان مخالفت های سیاسی و ایدئولوژی که سبب متزلزل شدن این روابط گردید، باز هم این ارتباطات و معنویات در شکل مختلف در ذهن مردمان ما وجود داشته است. علاوه بر آن، بررسی و تحقیق این نکته های شبیه یک عامل بسیار مهم و بازگوکننده یگانگی روند ادبی فارسی زبان بوده است. البته در این مورد، تحقیق نمونه های آثار و کار و ایجاد نمایندگان پیشرو این دو ادبیات مثالی است برای روشن کردن ماهیت مسئله مذکور. از همین سبب است، که ما برای پژوهش حاضر بررسی تطبیقی آثار دو چهره روشن و پیشرو ادبیات تاجیکی و ایرانی استاد صدرالدین عینی و صادق هدایت، بخصوص داستانهای مشهور ایشان «مرگ سودخور» و «حاجی آقا» را انتخاب کردیم، زیرا این دو ادیب در سرآغاز ادبیات مدرن تاجیکی و ایرانی قرار دارند و کتاب های مذکور ایشان هم از نظر محتوا و موضوع و هم از جهت استفاده از آرایه های ادبی، اصول تصویرهنر، روایت واقعه ها و شخصیت آفرینی شباهت های زیاد و جالبی دارند. این همه مسائل برای روشن کردن ارتباطات ادبی تاجیکستان و ایران و روندهای شبیه و عمومی این ادبیات ها از اهمیت علمی و عملی زیادی برخوردار است. زیرا به گفته اسماعیل آذر، یکی از پژوهشگران ادبیات تطبیقی «در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد، که چه گونه اندیشه ای در نقطه ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می شود و در نقطه دیگر همان اندیشه به گونه دیگر مجال بروز می یابد» (اسماعیل آذر، ۱۳۸۷) و به روش تطبیقی بررسی ادبیات های دو کشور که تاریخ و زبان یگانه ای دارند از کلیه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، اهمیت خاصی برخوردار می باشند. با توجه به نکات فوق مسئله اصلی تحقیق حاضر تبیین آثار اقتصادی و اجتماعی ربا با تاکید بر نقش برجسته سازی ادبیات فارسی در آثار دو نویسنده مشهور تاجیک و ایرانی صدرالدین عینی و صادق هدایت از منظر نثر معاصر فارسی و تحلیل و مقایسه داستانهای «مرگ سودخور» و «حاجی آقا» بر اساس معیار نقد تطبیقی و از طرفی دیگر، بررسی و پژوهش کلی اشتراکات محتوایی، درونمایه، شخصیت آفرینی در داستانهای مذکور ایشان می باشد.

مبانی نظری پژوهش

در میان بحث های اقتصاد اسلامی، ربا از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا از یک طرف یکی از عمده ترین تفاوت های اقتصاد اسلامی و سرمایه داری است و از طرفی دیگر وجود و عدم آن می تواند نقش تعیین کننده ای در سیاست های اقتصادی داشته باشد. حرمت ربا در اسلام به حدی است که برخی آیات قرآن ربا را به صراحت، جنگ با خدا می دانند. آنچه در این بخش مورد نظر قرار گرفته، توجه به آثار اقتصادی و اجتماعی ربا در جامعه است. آیات شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است، واگذارید» (۲۷۸/بقره) و «فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ و اگر چنین نکردید، بدانید که جنگ با خدا و فرستاده وی، بر خاسته است و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید» (بقره/۲۷۹)، دو نمونه کامل از مذمت ربا در احکام و جامعه اسلامی است.

مفهوم ربا

ربا و ربا خواری نه تنها در اسلام بلکه در آیین یهود، مسیحیت و هندو نیز ربا را منع می کند اما مسائل تحریم در آن با اسلام فرق می کند و اسلام با شدت بیشتری برآن تاکید دارد که حتی ربا خواری را جنگ با خدا و پیامبر می نامد و مجازاتش را اعدام است.

فقه ها فرقی نگذاشته اند ربا از هر نوعی که باشد حرام است و اجماع هم در این زمینه پژوهشی در زمینه ربا به این دلیل مهم است که پیامد های اجتماعی و فردی زیان باری به دنبال دارد که همچون فقر و بیکاری، افزایش فاصله طبقاتی، تورم، راکدماندن فعالیت های تولیدی، مشکلات فردی و عصبی، ترک کار خیر قرض دادن و... برای همین است که اسلام آن را به شدت تحریم کرده است. ربا گرفتن نتنها حرام است ربا دادن هم حرام است بلکه نویسنده و شاهد بیع ربا هم حرام است. در روزگار اخیر مسئله تحریم ربا در اسلام اهمیت نظری و عملی به مراتب چشم گیری یافته است چرا که موضوعاتی همچون تجارت، سرمایه گذاری خارجی، عدالت و برابری، اجتماعی. (دکتر راد منش، ۱۳۶۸)

ربا در لغت به معنی زیاد شدن است (مطهری، ۱۳۶۴) و ربا در لغت انگلیسی USura که معنای برخورداری و بهرمندی از بابت استفاده از پول است (Patinkin-1968) و کلمه فارسی ربا بهره نام دارد در اصطلاح اخذ اضافه در مبادله مثلین است که می تواند مبادله پول با پول باشد یا مبادله ای و کالای مشابه و همجنس با گرفتن مقداری اضافه (مطهری، ۱۳۶۴) منظور از ربا تنزیل گزاف یا بهره بیش از حد است (کاتوزیان، ۱۳۷۷) ربا هرچی است که به اصل سرمایه اضافه می شود (صدیقی، ۱۳۸۹) فقه ها اتفاق نظر دارند ربا مربوط به تمامی کالا ها بوده و محدود به فروش کالایی نیست و ربا یکی از معاملات باطل است. (بکی حسکویی، ۱۳۸۸)

ربای قرضی یعنی قرضی که شرط شود همراه با مقداری بیشتر از قرض گرفته شده، پس داده شود. این نوع ربا، امروزه بسیار رایج است که مواردی از جمله پول بهره ای، وام با سود مشخص، سرمایه گذاری با سود مشخص و ... در این دسته قرار دارند.

دو نوع ربا داریم:

۱) ربای معامله ای

۲) ربا قرضی

ربا معامله ای: معامله دو کالای مکیل یا موزون که با یکدیگر همجنس باشند همراه با زیاده یکی از آن دو چه زیاده عینیه یا حکمیه باشد. (مستشاری، ۱۳۹۲) ربا قرضی: ربا دهنده شرط میکند بیش از آنچه که قرض داده به عنوان سود آن قرض پس بگیرد. (مستشاری، ۱۳۹۲) فقه ها فرقی نگذاشته اند میان ربا از هر نوعی که باشد حرام است. (مطهری، ۱۳۶۴)

آثار منفی ربا در نظام اقتصادی

ثار منفی ربا در نظام اقتصادی و بطن جامعه را می توان در قالب نکاتی نظیر، ترک کار خیر و قرض دادن، راکد ماندن تولید و فعالیت اقتصادی، افزایش فاصله طبقاتی و افزایش تورم در جامعه عنوان کرد.

- (۱) راکد ماندن تولید و فعالیت اقتصادی
- (۲) تورم
- (۳) افزایش فاصله طبقاتی
- (۴) ترک کار خیر و قرض دادن
- (۵) اقتصاد در بند ربا

بنابر آنچه بیان شد اولین مسئله ای که ربا در جامعه شکل می دهد عدم روی آوردن مردم برای تولید می باشد. با توجه به آنکه با افزایش ربا، دیگر پول های سرگردان به سمت تولید نرفته و وابستگی به سراغ چنین جوامعی خواهد آمد ربا با سست کردن پایه های تولید در هر کشوری بزرگ ترین ضربه به آن جامعه را خواهد زد. از دیگر سو، ربا نه تنها رونق اقتصادی را در پی ندارد بلکه با افزایش بازده بخش غیر حقیقی اقتصاد یا بخش پولی باعث رکود در جامعه خواهد شد. بخش حقیقی اقتصاد به دلیل آنکه بازده کمتری نسبت به فعالیت های سوداگرانه دارد در نظر افرادی که دارای سرمایه پولی هستند دارای جذابیت کمتری بوده و نقدینگی سرگردان در جامعه به سمت بازارهای غیررسمی از جمله ربا خواهد رفت.

حذف بهره از نظام بانکی و بازارهای مالی در اقتصاد اسلامی گامی موثر در جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و رهایی از آثار مخرب بهره است. بسیاری از مطالعات نشان می دهند که بهره نقش گسترده ای در محدود کردن سطح تولید و اشتغال دارد و موجبات توزیع نامطلوب درآمد بین اقشار مختلف جامعه را فراهم می سازد. برخی اقتصاددانان سرمایه داری اظهار می دارند که برای قرار گرفتن اقتصاد بازار در وضعیت بهینه ضروری است نرخ بهره صفر باشد. چنانچه کینز بهره را عامل رکود و ماندگاری آن در یک نظام اقتصادی می داند. با این وجود بهره، از متغیرهای کلیدی و اساسی در نظام سرمایه داری به شمار می رود. این مسئله که پذیرش بهره و وجود بازار پول در نظام سرمایه داری چه اثری بر متغیرهای کلان اقتصاد خواهد داشت موضوع بحث برخی اقتصاددانان است. (عطرکار روشن و هاشمی، ۱۳۹۳)

پیامدها و آثار ربا

ربا خواری یک فساد مالی و بیماری زشت اقتصادی است که اگر وارد بازار مسلمانان شود همه چیز را تباه می کند جلوی کار خیر را میگیرد فاصله طبقاتی را روز به روز بیشتر می کند و ثروت های حرام افزون تر می گردد ربا خواران دل سخت هستند و به مستمندان رحم نمی کنند و تولید جلوگیری می کنند بازار سالم و موفق فقط در پرتوی عمل به دستورات دین امکان پذیر است (رحیمی، ۱۳۸۰: ۱۱، ۱۶۱۰ ربا در پایان کار اوضاعی را در جامعه به وجود می آورد که اخلاق و فضائل انسانی را به شدت می کوبد (سید قطب و دکتر رادمنش، ۱۳۶۰)

آثار فردی

آلوده شدن به کثیف ترین گناهان - قبول نشدن هیچ کدام از اعمال صالح اش - مورد لعن خداوند و ملائکه قرار گرفتن - عذاب دردناک جهنم الهی - جنگ با خداوند و رسول اش و...

آثار اجتماعی

کم رنگ شدن روحیه دادن قرض الحسنه در جامعه - محروم شدن از الطاف الهی - نازل شدن عذاب الهی و... حضرت امام صادق (ع) می فرمایند: نشانه اینکه خداوند بخواهد قومی را به حلاکت برساند آن است که اشکارا ربا خواری نمایند. (وحیدی، ۱۳۸۹)

هرچند هزینه های جاری بانک ربا نیست. (بهشتی، ۱۳۶۹) اسلام می خواهد نظام اقتصادی طراحی کند که عاری از هرگونه امکان سوءاستفاده و فریب و نیرنگ باشد. (بکی حسکویی، ۱۳۸۸) گرفتن کارمزد به مقدار مخارج وام به نحوه متعارف اشکالی (وحیدی، ۱۳۸۹) امنیت اقتصادی با تلاش و هماهنگی همه قیاه ها و نهاد ها به دست می آید و نمی توان نهاد خاصی را مسئول دانست. (لیراوی و همکاران، ۱۳۹۰)

تغییر نام ربا به کارمزد و ربا خواری به مضاربه قطعاً مشکلی را نه شرعاً و نه عرفاً حل نمیکند بلکه باید روح و ماهیت آن عوض شود (وحیدی، ۱۳۸۹) در بیش از ۴۵ کشور مسلمان و غیر مسلمان بانک های مختلف اسلامی فعالیت می کنند و نظام بانکداری اسلامی به عنوان نظامی جدید در صندوق بین المللی پول و بانک جهانی پذیرفته شده است. نقطه اشتراک بانک های اسلامی در این است که چه در مقام جذب منابع و چه در مقام اعطای تسهیلات از نظام بهره خودداری کرده اند و عقود اسلامی جایگزین آن شده است اما در نوع عقود تفاوت های زیادی دارند. (فیروز آبادی، ۱۳۹۰) حذف ربا از جامعه اسلامی نه تنها نشانه ای از بازسازی سیستم مالی است بلکه بیانگر بازآفرینی بنیانی کل سیستم اقتصادی است. در ایران اسلامی سیستم بانکی یکباره تغییر کرد و روش بانکداری بدون ربا به عنوان یک نظام جایگزین بانکداری ربوی شد (فیروز آبادی، ۱۳۹۰) در ایران اسلامی قانون عملیاتی بانکی بدون ربا بر اساس توزیع منابع بانک ها از طریق عقود اسلامی در تولید و توزیع استفاده شده که هدف از آن شکوفایی بخش های مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت، مسکن) است. با الهام از قسمتی از آیه شریفه ((احل الله البيع و حرم الربا)) بانک ها امکانات تولید را خریداری می کنند و در اختیار متقاضیان قرار می دهند (همان) بانک اسلامی در بخشی از کارهای خود مانند جذب حساب های قرض الحسنه جاری و پس انداز، فعالیت های حساب جاری و اعطای قرض الحسنه نقش واسطه و جوه را دارد و در بخش جذب سپرده های سرمایه گذاری و تبدیل آن ها به اموال و دارایی های حقیقی از طریق عقد مشارکت، مضاربه، سلف و همینطور از طریق مشارکت حقوقی (خرید سهام) و سرمایه گذاری مستقیم نقش موسسه مالی را ایفا میکند بانک اسلامی ترکیبی از موسسه واسطه و جوه و موسسه مالی را ایفاء میکند. (فیروز آبادی، ۱۳۹۰)

صادق هدایت از پیشروان و پیشگامان و پایه گذاران ادبیات جدید داستانی شناخته شده است، که نثر نو فارسی را با شکل و قالب و دید تازه به انسان و حادثه های زندگی بنیاد نهاده است. «هدایت از پرکارترین نویسندگان فارسی زبان معاصر است و در داستان نویسی معاصر ایران، بالاترین مقام را داراست. او را می توان مشهورترین نویسنده ایرانی هم در ایران و هم در خارج ایران به شمار آورد» (۴۹) اصول وی هم از تکنیک نو، تصویر روان شناختی سیال ذهن و هم از تصویر درونی اجتماعی، طنز و انتقاد استفاده کرده و با هنرمندی تمام از سبک های سورئالیستی و رئالیستی بهره برده است.

پس از سقوط رضاخان، که یک اندازه آزادی نسبی برقرار گردیده، اندکی جامعه خوش بین شد و این وضع مساعد امکان داد که صادق هدایت اندیشه های خود را در قالب رمانی به نام «حاجی آقا» بیان کند. او در این اثر در مورد جامعه ظاهر پرست و نظر فریب با قلمی انتقادی می نویسد اما این موضوع دوام طولانی نداشت و پس از جنگ جهانی دوم در جامعه ایران از نو استبداد رواج پیدا کرد و اوج گرفت. همین امر باعث افزون شدن افسردگی در روح و روان هدایت و بیشتر خراب گردیدن وضع سلامتی او گردیده با پول اندکی به پاریس رفت. اما چند عامل بودند که نتوانستند در فرانسه هدایت را به خوبی جذب کنند. گمان می رود، که وی از جهت هزینه زندگی در این دوره دچار مشکل و به بحران معنوی و ادبی نیز گرفتار شده بود.

صدرالدین سید مراد زاده، متخلص به عینی (۱۹۵۴-۱۸۷۸)، از شخصیت های برجسته فرهنگ فارسی تاجیکستان در قرن بیستم در ماوراءالنهر به شمار می رود. عینی از پایه گذاران ادبیات و علم و فرهنگ مدرن تاجیکی معرفی شده است و امروز همه مردم تاجیکستان او را با افتخار استاد می نامند. به تعبیر یکی از فرهیختگان تاجیک، علامه باباجان غفور اف (۱۹۷۷-۱۹۰۹)، او به اعتبار آن سهمی، که در بنیاد زبان و ادبیات تاجیکی و علم و فرهنگ مدرن آن، در آموختن تاریخ و تصدیق هستی مردم تاجیک گرفته است، سزاوار به توصیف «پدر ملت» تاجیک می باشد. (۲۱۱، ۲۵۵) و محمد شهید نورایی صدرالدین عینی را پایه گذار ادبیات شوروی تاجیکی می داند و چنین اظهار می نماید که «عینی نخستین کسی است که ادبیات شوروی تاجیکستان را به شکل تازه ای که وابستگی با ملت و حیات تاجیک ها دارد در نظم و نشر ایجاد کرده است. آثارش از حیث شکل و قالب ملی است و از حیث مفاد سوسیالیستیست» (۳۳-۳۲، ۱۰۱) و این نکته نیز باید رمزی باشد که دوستان تاجیکی ما در زمان صاحب استقلال شدن جمهوری تاجیکستان یکی از نخستین شخصیت هایی که به سزاوار به عنوان «قهرمان تاجیکستان» دانستند، صدرالدین عینی بوده است.

به جز همه مواردی که ذکر شد، در شکل گیری ادبیات نو داستانی تاجیکی نمونه های ادبیات داستانی ایران سهم مؤثری داشته اند و در این راستا سهم صدرالدین عینی برای رونق نثر نو و رئالیستی تاجیکی خیلی چشمگیر می باشد.

مروری بر پیشینه پژوهش

رحمانی، محمد، (۱۳۸۷)، امروزه یکی از اساسی ترین روش ها در جهت بالا بردن ارتباط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، یافتن مشترکات بین کشورها مخصوصاً فرهنگ، زبان و ... است ایران و تاجیکستان در آسیای مرکزی دارای مشترکات فراوانی در تاریخ، فرهنگ، زبان و دین هستند، از این رو علایق و پابندی به آداب و رسوم اجداد و نیاکان موجب افزایش میزان همبستگی بین ساکنان هر دو کشور گردیده است. جشن نوروز و عشق به ادبیات مشترک و شعرای بزرگ فارسی زبان پیوند دیرینه ای را بین مردم هر دو کشور بوجود آورده است که در صورت توجه به آن می تواند در اشاعه فرهنگ ایرانی، اسلامی با حفظ هویت ملی، بصورت منطقه ای تأثیر مناسبی داشته باشد لذا در این باب ایجاد ظرفیت های لازم فرهنگی، هنری با تشکیل انجمن های ادبی و برگزاری برنامه های فرهنگی به همراه آموزش زبان فارسی زمینه و فرصت جدیدی در منطقه آسیای مرکزی برای ایران

ایجاد خواهد نمود، که شاید از عمده ترین تأثیرات آن بتواند موجب حیات مجدد جاده ابریشم در منطقه گردد چرا که وضعیت جغرافیایی این کشورها و دوری از آب های آزاد دنیا ایران را به عنوان امن ترین کشور در انتقال انرژی و بازرگانی منطقه ای معرفی خواهد کرد.

محمودی، مرتضی، (۱۳۹۲)، تاجیکستان در زمره کشورهای نوظهور آسیای مرکزی ازجمله مهمترین کشورهایی بود که به دلیل قرابت های تاریخی و فرهنگی و زبانی پس از استقلال مورد توجه ایران قرار گرفت. هنگام شروع روابط دو کشور از یک سو تاجیکستان با بحران های جنگ شهروندی و مشکلات سیاسی و اقتصادی روبرو گردید. از سوی دیگر، رسانه های غربی با تبلیغات منفی سعی می کردند تا کشورهای آسیای مرکزی بطورعموم و تاجیکستان بطور ویژه و نیز کشور روسیه را از حضور ایران بیمناک و نگران نمایند، که البته ایران، با ایجاد تحول در رفتار و موضع گیریهای سیاسی و فرهنگی خود ضمن پیشنهاد برای ایجاد صلح و رفع جنگ داخلی تاجیکستان به روابط اقتصادی براساس ظرفیتهای آن کشور اولویت داد که این عمل برآیندی مانند رفع ابهام در رفتار سیاسی ایران و خنثی سازی تبلیغات رقیبان و الگوسازی رابطه دولت دینی با دولت های سکولار (دنیوی) را در پی داشته است. نگارنده کوشیده است تا تعاملات اقتصادی بین دو کشور را در این مقاله بررسی نماید.

رئیس، (۱۳۹۴) عناصر هویتی و فرهنگی در جهان معاصر، از مولفه های اصلی شکل دهنده به مناسبات کنشگران سیاست بین الملل است. نقش این عوامل در مواردی حتی عوامل مادی و منفعت نگر را در روابط بین الملل تحت تاثیر خود قرار داده و آنها را کمرنگ می سازد. ایران و تاجیکستان به عنوان دو ملت پیوسته به هم که منشأ هویتی واحدی دارند نمونه بارزی از تاثیر غالب عوامل هویتی و فرهنگی در مناسبات میان کنشگران سیاسی هستند. مبنای قراردادن نظریه های فرا اثبات گرای روابط بین الملل بویژه سازه انگاری در خصوص مناسبات ایران و تاجیکستان به خوبی تاییدکننده مفروضات اساسی این نظریه ها خواهد بود. عوامل و متغیرهای هویتی و فرهنگی بخش غالب روابط ایران و تاجیکستان را شکل داده و بر عوامل مادی فائق آمده اند. بویژه که از منظر نظریه های فرا اثبات گرا روابط بین الملل، منافع کشورها صرفاً ناظر بر منافع مادی و ابزاری نبوده و در تعاریف نوین، منافع هویتی و هستی شناختی بعضاً اولویت و ارزش بیشتری برای کنشگران سیاسی یافته است. البته در خصوص میزان غلبه این نگرش در مناسبات ایران و تاجیکستان در دوره های مختلف نوسان هایی نیز مشاهده می شود.

محمودی، (۱۳۸۸)، در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد مسیح تیره های ایرانی زبان از سایر آریایی ها جدا شده و ایران زمین که آسیای مرکزی را شامل می شد را بعنوان زیست بوم و محل استقرار خود برگزیدند و هم آنان بنیانگذاران شهرنشینی و تمدن های بزرگ شدند تاجیکان از دیرباز دارای فرهنگ و زبان همسو و یکسان با زبان و فرهنگ ایرانیان بوده اند. فارسی تاجیکان همان فارسی دری و همان فارسی رودکی است به همین دلیل با وجود فراز و فرودها و گسست های تاریخی میان ملت ها و تحول و دگرگونی های چشمگیر در زبان فارسی ایرانی و تاجیکی فاصله ها چندان محسوس نیست و این دو زبان هم ریشه، بشدت همگرایی دارند. با وارد شدن اسلام به منطقه بستری گسترده تر برای گفتمان و هم گرایی میان زبانها و مردمان آنان با مفاهیم بلیغ بوجود آمد که آثار آن تاکنون باقی مانده و اخیراً در حال توسعه است.

وفایی، شفیع پور فومنی، (۱۳۹۶)، وران مشروطه از اعصار مهم ایران از نظر تحول محتوای شعری است؛ چراکه دیگر نه مدیحه سرایی و شعر عرفانی، بلکه اشعار اجتماعی سیاسی با مضامین متعالی چون آزادی، وطن و... رواج داشت. تشابه عصر جدید تاجیکستان با این عصر، زمینه تعامل شعر مشروطه ایران و شعر نو این کشور را فراهم کرد. پژوهش حاضر، که به روش تحلیلی تطبیقی انجام شده است، در جهت بیان چگونگی این تعامل با هدف مقایسه تطبیقی موضوع و محتوای شعر مشروطه ایران و شعر جدید تاجیکستان به بررسی وجوه اشتراک فراوان شعر این دو کشور در عصرهای پیش گفته پرداخته و در نهایت به سه دسته شاعران «حب وطنی، انقلابی و مرثیه سرا» در شاعران این دوره ها قائل شده است. ادیب الممالک فراهانی و ایرج میرزا در میان شاعران مشروطه ایران و «فطرت» در میان شاعران جدید تاجیک از جمله شاعران حب وطنی، و نسیم شمال و مؤمن قناعت از جمله شاعران مرثیه سرا هستند و مابقی ذیل دسته شاعران انقلابی قرار گرفته اند. پس از تحلیل محتوایی و تطبیقی اشعار آنها، چنین دریافت شد که از میان مضامین پررنگ شعر مشروطه ایران، موضوع «وطن» نخستین و پرکاربردترین محتوای مشترک شعر این دو کشور است که جایگزین موضوع عشق شده است. این موضوع در اکثر اشعار شاعران ایران و تاجیکستان، بیش از بیان حب وطن به طور مطلق، به ترغیب مخاطبان به قیام علیه ظلم و تشویق به انقلاب سروده شده و در بعضی موارد صرفاً مرثیه است. آزادی، تعلیم و تربیت جدید، ادبیات کارگری و نکوهش جهل و توصیه به علم اندوزی مضامین مشترک بعدی هستند؛ ضمن اینکه شواهدی در باب توجه به حقوق بشر، زنان و مسئله برابری با مردان نیز استخراج شده که در مورد اخیر (نکوهش جهل و توصیه به علم اندوزی) می گنجد.

احمدی، (۱۳۹۸)، این پژوهش بر آن است که علی‌رغم اهمیت نظریه‌های فرهنگی روابط بین‌الملل و نقش عناصر فرهنگی و ارزشی به‌عنوان متغیرهای مهم سیاست خارجی، سیاست و امر سیاسی همچنان جایگاه برتر را در شکل‌دهی روابط میان کشورها در عرصه جهانی دارد و می‌تواند عامل شتاب یا تضعیف همکاری‌های فرهنگی باشد. مقاله با مرور مباحث نظری مربوط به چرخش فرهنگی و تمدنی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی و نیز نظریه حوزه تمدنی ایرانی و ایران فرهنگی که بر ضرورت تمرکز روابط ایران با کشورهای حوزه تمدنی تأکید دارند، اهمیت برتری سیاست در روابط بین‌المللی و سیاست خارجی را نشان می‌دهد و به آزمون می‌گذارد. نگارنده با انتخاب روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان که در عرصه‌های گوناگون در دو دهه پیش به جلوه درآمده‌اند و با تمرکز بر همکاری‌های دو کشور در زنده کردن خط نیاکان (فارسی) در برابر خط روسی (سرلیک)، نشان می‌دهد که علی‌رغم تلاش‌های هر دو کشور و نخبگان فرهنگی آنها در این راه، سیاست و عوامل سیاسی مانع اصلی این همکاری‌ها شده و آنها را به بن‌بست کشانده است.

تمیم داری، علی اکبرزاده زهتاب، (۱۳۹۹)، برآنیم بدانیم، رویکرد شاعران معاصر تاجیک، به مفاهیم مذهبی (با تکیه بر شعر شیعی) و عرفانی، در دوره استقلال و پس از آن (۱۹۹۱-۲۰۱۵) چگونه بوده است؟ در این پژوهش، مضمون یاد شده با ذکر و بررسی شواهد مثالی چند، از شعر شاعران تاجیک، به شیوه ای کتابخانه‌ای، واکاوی شده است. شعر مذهبی و معنوی تاجیک، قطعاً از نظرگاه مذهب ارزشمند اهل تسنن نیز قابل بررسی است که خود، جستاری دیگر می‌طلبد و در اینجا برای پرهیز از اطاله کلام و نیز تدقیق و باریک بینی، فقط به مفاهیم مذهبی (شیعی)- عرفانی پرداخته شده. این مضمون، پس از سال ۲۰۱۵- که نقطه عطف اسلام زدایی در تاجیکستان به

شمار می رود- دوباره دچار محدودیت هایی شده است. به هر حال، مفاهیم مذهبی (شیعی) و عرفانی در میان شاعران آن دیار، علاوه بر شوریدگی های عارفانه، جنبه زاهدانه و متعبدانه نیز دارد. در میان شاعرانی چند، به ذکر اصطلاحات عرفانی بسنده شده، در برخی موارد علاوه بر اصطلاحات، مفاهیم عرفانی نیز مد نظر قرار گرفته است. برآنیم بدانیم، رویکرد شاعران معاصر تاجیک، به مفاهیم مذهبی (با تکیه بر شعر شیعی) و عرفانی، در دوره استقلال و پس از آن (۱۹۹۱-۲۰۱۵) چگونه بوده است؟ در پی رنگ باختن افکار سوسیالیستی در تاجیکستان و به ویژه پس از استقلال این سرزمین در ۱۹۹۱ و افزایش تعاملات فرهنگی با ایران (به عنوان سرزمین نیاکان)، بسیاری از مضامین مخالف با سوسیالیسم، از جمله مفاهیم مذهبی و عرفانی که پیش از این تحت سانسور شدید حکومت قرار داشت، مطمحن نظر شاعران قرار گرفت.

خراطها، (۱۳۹۱)، از جمله مسائلی که در حوزه جامعه شناسی قابل تامل و بررسی است؛ مسائل مربوط به اوضاع جمعیتی یک جامعه است که عدم توجه به آن می تواند شرایط نامساعدی را برای زندگی اجتماعی افراد به وجود آورد و حیات اجتماعی آن جامعه را به خطر اندازد. در این پژوهش که با هدف شناخت و مقایسه مسائل جمعیتی موثر بر حیات اجتماعی ایران و تاجیکستان انجام گرفته است حاصل مطالعه اکتشافی و عملیات میدانی است که ضمن توجه به تشابهات فرهنگی موجود در میان دو کشور سعی داشته است تا فهرست معتبری (۳۸ مورد) از مسائل جمعیتی ایران و تاجیکستان را با استفاده از منابع، اسناد و مصاحبه های اولیه شناسایی نماید. یافته های حاصل از پژوهش مذکور نشانگر آن است که برخی از مهمترین مسائل جمعیتی شناسایی شده در ایران عبارت بودند از: گرانی مسکن، طلاق، توسعه نیافتگی، کمبود و فرسودگی مسکن، بالا رفتن سن ازدواج و برخی از مهمترین مسائل جمعیتی شناسایی شده در تاجیکستان عبارت بودند از: مهاجرت نیروی کار به خارج از کشور، فراوانی مهاجرت به خارج از کشور، فراوانی مهاجرت از روستا به شهر، بالا بودن نرخ رشد جمعیت، کمبود مسکن. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که عدم توجه به مسائل جمعیتی موجود و نادیده انگاشتن آنها بر دوام و حیات اجتماعی و همچنین روند رشد و توسعه جوامع اثرگذار خواهد بود.

حاجیان، (۱۳۹۴)، انقلاب اسلامی ایران به منزله تحولی بنیادین در ارزش ها و اندیشه یک ملت، بی تردید برآمده از سنت دیرینه فرهنگی ما است، زیرا هرگونه دگرگونی در ذهنیت یک جامعه اساساً در جریان پیوسته تاریخی رخ خواهد داد؛ بنابراین باید آن را در تأثیر و تأثری دوسویه دریافت. تغییر در محتوا و مضمون و صورت و قلمروها در انواع گوناگون هنر، اعم از شعر و ادبیات در نتیجه انقلاب، واقعیتی روشن است. بررسی نقش زبان فارسی که زبان و مأوای انقلاب بوده است، در تحقق انقلاب اسلامی و نیز در ترویج ارزش های انقلاب در جهان بسیار اهمیت دارد. پرداختن به این امر در کشورهای حوزه ایران فرهنگی، به دلیل اشتراک ها و پیوندهای فرهنگی، ضرورتی است که باید به آن توجه بیشتری شود.

فوزی، نعیمی برچلوبی (۱۳۹۵) در بسیاری از کشورهای جهان مراکز آموزش زبان فارسی دارای قدمت طولانی می باشند و مراکز مختلف فرهنگی ایران نیز تلاش گسترده ای را طی سالیان گذشته برای گسترش زبان فارسی در جهان انجام داده اند اما متأسفانه این اقدامات با موفقیت کاملی برخوردار نبوده و با موانعی مواجه بوده است که در این مقاله تلاش شده این موانع را بررسی و بر این اساس در این مقاله به این سؤال پاسخ می دهیم که روند و

وضعیت گسترش زبان فارسی در خارج از ایران با چه فرصتها و چالش‌هایی مواجه می‌باشد؟ روش پژوهش در این مقاله روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی است که گسترش زبان فارسی با دوچالش مهم مواجه بوده است که یکی از آنها تاثیر روابط سیاسی کشورها با ایران بوده و دیگری چالش‌های جهانی شدن برای زبان فارسی می‌باشد که جهانی شدن به شکل گسترده‌ای در این روند تاثیر داشته که در مقاله به آنها پرداخته شده است.

مقصودی و عرب، (۱۳۹۰)، تعاملات فرهنگی با ایجاد بسترهایی مبتنی بر هویت و ارزشهای مشترک فرهنگی از قابلیت تأثیرگذاری بسیاری بر روند همگرایی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردارند. این پژوهش ضمن بررسی رویکرد سازه‌انگاری در تبیین جایگاه فرهنگ و هویت در عرصه تعاملات بین‌المللی، با استناد به شاهنامه به عنوان منبعی دست اول به مرور اشتراکات فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای فارسی‌زبان می‌پردازد و مسوولیت فرهنگی ایران در ایجاد تعامل فرهنگی با این حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

خدایار، ابراهیم، (۱۳۹۸)، نگارنده در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر دوره بندی ادبی، ذیل نظریه تاریخ و ادبیات، این موضوع را با هدف تحلیل تحولات این مفهوم و پیوند آن با جهان فارسی زبان و ایران بررسی کرده است. براساس نتایج تحقیق، تحولات سیاسی شکل گرفته در این دوره به طور مستقیم بر تحول مفهوم وطن تأثیر گذاشته، نخست آن را از مذهب جدا، سپس در قاب شهر بخارا متجلی کرده است. وطن در دور شوراهای بار ایندولوژیکی به خود گرفته و به جهان وطنی سوسیالیستی چسبیده است تا اینکه در دور استقلال با دوری از این مفهوم به تاریخ و فرهنگ و مشترک با آریایی تباران پیوند خورده است. نتایج تحقیق گام مؤثری در تحلیل جریانهای ادبی و فکری فارسی‌زبانان منطقه دارد و برای سیاستگذاران فرهنگی ایران در منطقه نیز مفید است.

قوام، محمد، (۱۳۸۹)، مهمترین نوع هویت به عنوان نماد انسجام جمعی هویت ملی است. در این حال دولت‌هایی که تا دیروز نقش برجسته‌ای در حفظ انسجام و تعریف هویت ملی داشته کارکرد خود را از دست داده و سعی در حفظ قدرت خود با ایجاد یک نظام معنایی محدود شده به دولت می‌نمایند و سعی دارند تا تعریف جامعی از هویت برساخته خود ارائه داده و با قدرت تحمیل، سرکوب و ارباب این هویت برساخته دولتی را به عنوان نمادی از هویت ملی جامعه نمایش دهند در حالی که ممکن است مولفه‌های هویتی تعیین شده توسط چنین دولت‌هایی با مولفه‌های هویت ملی جامعه چنان متفاوت و حتی متضاد باشد که برای حل این تعارض اقدام به ایدئولوژیک نمودن معانی تعریف شده توسط دولت با استفاده از ابزارهای گوناگونی چون عمل خشونت آمیز، سانسور، ارباب و غیره نمایند. این امر در بلند مدت می‌تواند عامل جدایی دولت از بستر جامعه و افزایش استقلال عمل آن و در نهایت شکاف دولت و ملت شود.

ارجمند، اسمعیلی، (۱۳۹۱)، تغییر شرایط و مطرح شدن مولفه‌های جدید و تاثیر گذار در عرصه بین‌المللی باعث شده است تا کشورها برای پیشبرد هر چه بهتر منافع ملی خود، به نقش دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی اهمیت بسیار قائل شوند. نوشتار حاضر با تمرکز بر جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان در صدد پاسخگویی به دو سوال ذیل است: آیا جمهوری اسلامی ایران در

روابط خود با کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان دیپلماسی عمومی را مورد توجه قرار داده است؟ و دیگر اینکه دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان چه تاثیری بر روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با این کشورها داشته است؟ بدوحي، منوچهر، (۱۳۹۰)، در طول سال های اخیر سیاست خارجی ایران با تحولاتی مواجه بوده که از این جمله می-توان به توجه بیشتر به کشورهای حوزه آسیای مرکزی اشاره کرد. در بین این کشورها تاجیکستان به دلیل اشتراکات زبانی، نژادی، دینی، فرهنگی و تاریخی برای ایران حائز اهمیت بیشتری بوده است. احیای پیوندهای دیرینه و تعمیق روابط ایرانیان و مردمان تاجیکستان علاوه بر اینکه در گرو شاخصه های مهمی همچون توسعه همگرایی فرهنگی، اصلاح برداشت های نادرست از محتوای فرهنگ اسلامی-ایرانی، پایدار سازی خصیصه های فرهنگی، پیش گیری از شکل گیری تنش های خزنده، تلاش در جهت اعتمادسازی و انطباق رفتار بر ظرفیت محیط فعالیت است، به حد زیادی مستلزم توسعه همکاری های اقتصادی دو کشور نیز هست. حوزه اقتصادی یکی از مهمترین جلوه های همکاری بین دو کشور و مورد استقبال زیاد مقامات تاجیک است که این مقاله سعی به بررسی آن دارد.

پرسش های پژوهش

پیشینه نثر فارسی تا مشروطیت در ادبیات ایران و تاجیکستان چه اشتراکات مهمی دارد؟ اشتراکات آثار ادبی زبان فارسی در بیان ویژگی های اقتصادی و اجتماعی ربا چیست؟

روش شناسی پژوهش

اساس روش شناسی تحقیق حاضر مبتنی بر روش تحلیل تاریخی-مقایسه ای می باشد. تطبیق یا مقایسه منبع سرشار از منابع معرفت بشری است. انسان در بررسی های مختلف و متنوع خود مقایسه و تطبیق را راهی برای دستیابی به حقایق اصیل مربوط به حوزه های پژوهش خود برگزیده است. اهمیت نقد تطبیقی بدان جهت است، که از سرچشمه های جریانهای فکری و هنری ادبیات پرده بر می دارد. نتیجه تحقیق حاضر نشان گر آن است که داستان های مذکور پیش از همه، از جهت مضمون و محتوا و مسائل مورد تصویر به هم شباهت های زیادی دارند. ترکیب نمودن^۱ مرحله اول فرآیند ترکیب نمودن، شواهد است پژوهشگر با تصحیح کردن مفاهیم پس از دست یافتن به شواهد کافی به سمت یک مدل تبیین کلی حرکت می کند. مفاهیم یا تم های قبلی مورد بررسی و بازبینی قرار می گیرد و بجای آنها مفاهیم یا تم های جدید ایجاد می گردد. برای معنا بخشیدن به مفاهیم از حوادث انضمامی استفاده می شود. پژوهشگر دنبال یافتن الگوهایی است که همه واحدها یا دوره ها را در برگیرند تا تفاوتها و تشابهات آنها را بررسی کند. پژوهشگر حوادث متنوع و متفاوت را در هم ادغام می کند به طوری که بتواند یک تصویر بزرگتر ارائه دهد. تبیین های قابل قبول را سپس بسط داده مفاهیم و شاهد را در هم ادغام

^۱ Synthesizing

نموده و یک کل منسجم خلاصه شده ارائه می دهد. پژوهشگر با خواندن و بازخوانی و دسته بندی مجدد، براساس طرح سازماندهی، به مرتب کردن و دسته بندی شان می پردازد. ضمن دسته بندی شواهد، به شیوه های مختلف روابط و پیوندهای موجود بین آنها را بررسی و یادداشت می نماید. ترکیب کردن شواهد معینی را با یک مدل انتزاعی روابط بنیادی یا مکانیسم های علی پیوند می زند.

وظیفه عمده پژوهشگر تاریخی - مقایسه ای سازماندهی و معنی بخشیدن به شواهد و اسناد است. تدا اسکاچپول^۱ (۱۹۷۹) استدلال می کند: «وظیفه مورخ مقایسه ای و سهم تحقیقی روشن بالفعل، در ارائه نمودن داده های جدید در مورد یک دوره زمانی طولانی و اماکن بررسی شده نیست، بلکه ایجاد علاقه به بررسی یک امر بدیهی و اعتبار بخشیدن به یک استدلال کلی عل درباره یکنواختی هایی که موارد تاریخی مختلفی را در نوردد، می باشد».

همچنین پژوهشگران تاریخی - مقایسه ای برای تم ها و تبیین ها شواهد تایید کننده و اندیکاتورهای اساسی تعیین می کنند. یک معرفی اساسی^۲ یک شاهد (سند روشن) و بدون ابهام است و معمولاً استنباط یک رابطه علی مشخص - کافی است. پژوهشگران این معرفیها را برای بخش های کلیدی یک مدل تبیینی جستجو و بررسی می کنند. اصولاً معرف ها یک استنباط نظری را تایید می کنند و موقعی که جزییات فراوانی یک رابطه روشن را نشان می دهند، مطرح می شود. پژوهشگر، شواهد و استدلالات را در هم می تند و از طریق مرتبط نمودنشان با یکدیگر یک تصویر متعارف و مقبول به خوانندگان ارائه می دهد.

داده ها و شواهد در بستر تاریخی

انواع شواهد تاریخی: نخست برخی از واژه ها باید روشن شوند. تاریخ دارای چندین معنا است: یک معنای تاریخ عبارت است از حوادث گذشته (مثلاً: تاریخی که سپاهیان عراق کشور ما را اشغال کردند) یک گزارش از گذشته (مثلاً تاریخ نبرد ایران و روم) و یک رشته غلمی که گذشته را بررسی می کند (گروه علمی تاریخ). تاریخ نگاری^۳ روش انجام پژوهش تاریخی یا جمع آوری و تحلیل شواهد تاریخی است. جامعه شناسی تاریخی یک بخشی از پژوهش تاریخی - مقایسه ای است. آن (یک رهیافت به داده های تاریخی، یک سبکی از تاریخ نگاری است که در پی توضیح و فهم گذشته بر اساس تئوریهها و مدلهای جامعه شناختی است. در عوض، داده های تاریخی ممکن است برای آزمون نمودن اعتبار اصول، تئوری ها و مفاهیم جامعه شناختی بکار روند). پژوهشگران بر چهار نوع شواهد یا داده های تاریخی تمرکز می ورزند:

(۱) منابع اولیه

(۲) منابع ثانویه

^۱ Theda Skocpol

^۲ Acritical Indicator

^۳ Histrigraphy

۳) گزارش های جاری یا در گردش^۱

۴) خاطرات^۲

مورخین سنتی عمدتاً بر منابع اولیه تکیه و تأکید می ورزند. پژوهشگران اغلب از منابع ثانویه یا انواع داده های مختلف بصورت ترکیبی استفاده می کنند.

تجزیه و تحلیل داده ها و یافته ها

اگر در ادبیات گذشته ما فارسی زبان سنت های واحد و همسان و شبیه باعث شد تا آثار ادبی شبیه و یکسان خلق شود ادبیات مدرن همه به خاطر پرداختن به مسائل اجتماعی و اعتقاد به تصویر شخصیت انسان و محیط زندگی، مسائل را مورد تصویر و بررسی قرار داد، که آن ها در مناطق گوناگون و زمان و مکان مختلف به هم شباهت های بسیاری داشته اند. نقد تطبیقی بر آن است، که همانندی و شباهت دو اثر «حاجی آقا» صادق هدایت و «مرگ سود خور» صدرالدین عینی نشان دهد که حتماً دلایل خاصی سبب آن شده است. این دلایل را می توان این چنین تقسیم بندی کرد:

۱- تاریخی ۲- جغرافیایی ۳- فرهنگی ۴- اقتصادی

وظیفه ما نیز به گونه ای تطبیق بین این دو اثر می باشد و درست که نگاه می کنیم متوجه این امر می شویم که هر دو اثر و هر دو نویسنده از لحاظ تقسیم بندی فوق با هم یکسان هستند اما پیش از آن که مشخصاً درباره عمومیت ها و شباهت های این دو اثر به پژوهش بپردازیم ضروری است که از تألیف و نشر این دو اثر معلوماتی منظور کرده باشیم.

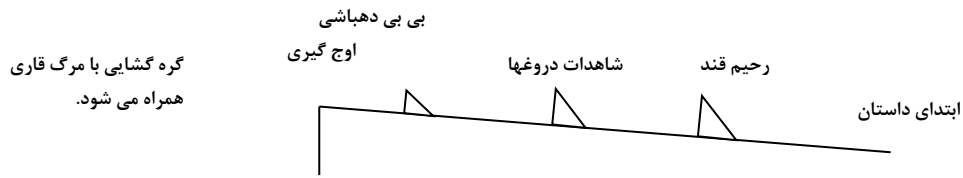
بررسی تطبیقی عناصر داستان «حاجی آقا» و «مرگ سودخور»

✓ ساختار داستان: راوی و زاویه دید در دو داستان حاجی آقا و مرگ سودخور

عینی برای داستان مرگ سود خور که یک رمان تقریباً کم حجم است، سبک رئالیستی را انتخاب نموده. شخصیت اصلی داستان فردی نزول خور است و باقی شخصیت ها به هیچ وجه به پر رنگی او نیستند. داستان روند آرام و تقریباً بی هیاهویی را دنبال می کند و عینی بیشتر به نقل روایات و حالات «قاری اشکمبه» پرداخته است. ابتدا داستان با شخصیت قاری اشکمبه که مرد سود خوری است، مواجه می شویم. او که تمام فکر و ذکرش و هم و غمش به دست آوردن پول است و به جای اینکه پول عاملی برای رسیدن به لذت ها «قاری» باشد خودش لذت بخش است و به صورت بسیار آهسته و بدون دردسر «قاری» هر روز بیشتر از دیروز پول روی پول انباشته می کند.

¹ Runing

² Recollections



شکل ۱- ساختار فریتاک در داستان مرگ سودخور

منبع: یافته های پژوهشگر

ساختار داستان «حاجی آقا» هم تقریباً مشابه داستان «مرگ سود خور» است با این تفاوت که داستان حاجی آقا حکایت فرعی درون داستانی ندارد و میزان افت خیزش نیز بیشتر است جدای این موارد مابقی عناصر تشکیل دهنده به یک صورت است. در هر دو داستان محور متمرکز است و بیشتر حول نقطه هایی به نام «حاجی آقا» و «قاری اشکمبه» می گردد. اگر در «مرگ سود خور» ما (نایب قاضی) کلان را داریم در «حاجی آقا» هم (حجۃ الشریعه) را داریم که به اسم دین جان و مال و ناموس مردم را همانند نایب قاضی کلان چپاول می کند. در هر دو اثر قهرمان داستان شخصی منفور است با خصایصی منفی. تنها تفاوت بارزی که می توان در پایان داستان «حاجی آقا» با «مرگ سودخور» بیان کرد این مطلب است که «قاری اشکمبه» با رذالت و پستی می میرد اما چنانچه از سخنان «حاجی ابوتراب» بر می آید کمی متنبه شده است، آنجا که می گوید:

«هیچ چی! این دنیا قاپچی در خونه شماها بودم، آن دنیا قاپچی قصر مادمازل حلیمه خاتون هستم» با قدری تحمل در این جمله می توان اندکی پشیمانی را در سیمای حاجی آقا حس کرد اما «قاری اشکمبه» از طرف خست و بخل هنگامی که می فهمد پولش از دست رفته تنها سخنی که می گوید این است که: آه پولکم! و بعد جان می دهد.



شکل ۲- ساختار فریتاک در داستان حاجی آقا

(منبع: یافته های پژوهش)

✓ زمان و مکان در دو داستان

زمان در داستان نویسی دو جایگاه دارد. یکی زمان وقوع داستان و دیگر مدت زمانی که روند داستان در آن شکل گرفته است. در داستان مرگ سودخور زمان داستان از ربع آخر عصر ۱۹ تا آغاز انقلاب کمونیستی شوروی ادامه یافته است. البته این را نیز باید متذکر شد که در داستان «مرگ سود خور» چند بازگشت به گذشته هم داریم که یکی از آن در حکایت دهقانان است که حدود ۱۰ سال به گذشته باز می‌گردد و دیگری حکایت خود راوی هست که به سفارش «بابی» پدر دوستش به دهات اطراف بخارا می‌رود و دو شاهد برای «بابی» می‌آورد که زمان آن هم درست مشخص نیست. اما در داستان «حاجی آقا» زمان واضح تر است و کمتر پیچیدگی دارد. زمان وقوع داستان به اوایل حکومت پهلوی دوم باز می‌گردد به این خاطر که بارها به این موضوع اشاره می‌شود و حاجی آقا گاهی از دوره رضاخان شکایت می‌کند و گاهی هم از آن دوره به خوبی یاد می‌کند «میفهمم که تو دوره رضاخان معقول تاملین جانی و مالی داشتیم».

✓ توصیف ظاهری شخصیت‌های دو داستان

هر دو نویسنده به صورت موشکافانه به آن پرداخته و هنرمندانه به تصویر کشیده اند. از همه مهمتر این است که چهره‌های نگاشته این دو نویسنده به خصوص چهره‌های شخصیت‌های اول این داستان‌ها به همدیگر شباهت‌های بسیار نزدیکی دارند. به طور مثال عینی مو به مو و ذره به ذره تمام خصوصیات ظاهری و اخلاقی قاری را با تمام جزئیات بیان کرده است. «او یک آدم میانه قد فربه اشکم کلان گردن کوتاه بوده، غفسی‌گردن و پره گی سرو رویش هم از غفسی اشکمش قریب فرق نداشت، اگر ریش کلان غولی مانند علف گنده درو به هم پیچیده اش را که تمام رویش را فراگرفته بود، تراشیده می‌پرتافتند، سروتن این آدم در یکجا به اشکمه خالی کرده نشده اشتر ماندی پیدا می‌کرد، غایتش اینکه این از وی کلان تر بود، مانند جئه شتر به درد خارش گرفتار گردیده مویش ریختگی سرخچه تاب می‌نمود.»

اما یک نظر به چهره حاجی آقا در تصویر صادق هدایت می‌نگریم «قیافه او با وقار حق به جانب بود: کله مازوئی، گونه‌های چاق و پر خون، فرق طاس و موهای تنگ رنگ و حنا بسته داشت و همیشه ته ریش سفید و زبری مثل قالیچه خرسک به صورتش چسبیده بود... وقتی که در خانه شب کلاه به سر می‌گذاشت، کله او شبیه گلایی می‌شد و غبغب کلانی زیر چانه اش موج می‌زد که سرش را بدون میانجیگری گردن به تنش می‌چسبانید... بالا تنه حاجی بلند و پاهایش کوتاه بود. به همین جهت وقتی که نشسته بود میانه قد و زمانی که راه می‌رفت کوتاه جلوه می‌کرد؛ اما از پشت سر کمی خمیده بود و قوز داشت». همانگونه که می‌بینیم مابین این دو چهره شباهت‌هایی در جزئیات وجود دارد مثل بزرگی سر، ریش، جثه و لباس. اما به طور کلی آنها چهره‌هایی هستند که بسیار به هم مانند‌اند. خصوصاً ظاهر نامنظم و زشت و تنفرآور آنها که دنیای درونی پوچ و بی‌معنی آنهاست.

✓ جنبه‌های طنز آمیز دو داستان

ضمن بررسی داستان‌های مورد نظر آنچه که قبل از همه جلب توجه می‌کند جوانب طنز اثر است. تحقیقات انجام شده ادبیات‌شناسی جهان بیانگر این است، که نویسندگان هر دور و زمان و هر ملتی که به تصویر چهره سودخور و طبیعت سودخوری پرداخته‌اند، اکثراً از اصول نگارش هجویی استفاده کرده‌اند. به فکر ما این شیوه

نگارش باید با ماهیت سودخوری ارتباطی داشته باشد. زیرا این پدیده (اجتماعی) چه در جامعه و چه در خصلتهای انسان یک عامل خرابکار و نفرت‌انگیز بوده، از دید و نگاه همه مذهبها و از جمله دین مبین اسلام حرام شمرده شده است.

در حقیقت، آن جایگاه اخلاقی بسیار بدی را در جامعه ایفا می‌کند. بدین معنا، از دید هجویی فاش و مسخره کردن سودخوری در آثار ادبی یک حادثه طبیعی می‌باشد. درستی این قضیه را داستانهایی «مرگ سودخور» صدرالدین عینی و «حاجی آقا» صادق هدایت اثبات می‌نمایند. لحن هر دو داستان طنز آمیز و هجویی است. صدرالدین عینی و صادق هدایت تمام تلاش خود را به کار برده اند تا هجو اجتماعی را برای خوانندگان ارائه دهند. شخصیت‌های اثرهای مذکور قاری اشکمبه و حاجی آقا فریبگر، رباخوار و خسیس اند، که پول و ثروت برای آنها از همه چیز مهمتر است. این دو رباخوار نه تنها باطناً شبیه همدیگرند، بلکه در ظاهر نیز همانندی‌های زیادی دارند، که به وسیله هجو به تصویر کشیده شده‌اند. پس میتوان گفت که یک رشته مهم هجویی در تصویر چهره این دو شخصیت سودخور خصلت ممسکی آنها می‌باشد، که از حد و اعتدال بیرون رفته و سبب استهزا و تمسخر می‌شود. اما این خصلت در قاری اشکمبه از حد گذشته، تا به اندازه کراهت‌آور رسیده است.

✓ استفاده از اصول آرایه‌های ادبی دو داستان

آرایه‌های ادبی اساساً دو نوع می‌باشند: آرایه‌های معنوی یا درونی و آرایه‌های لفظی یا برونی که عادتاً آنها را صنایع بدیعی می‌نامند که هر یک از این نوع آرایه‌ها به اثر ادبی یا تابشهای مضمونی اضافه می‌کنند و یا در زیبایی متن آن مساعدت می‌نمایند.

یک داستان زمانی زیباتر می‌شود که متن زیبایی داشته باشد و متن، آن زمان زیبا می‌شود که دارای آرایه‌های زیبا و به جایی باشد و این آرایه‌ها به هدف نویسنده، کاراکتر، شخصیت و محتوای اثر ارتباط تنگاتنگی داشته باشد. در دو داستان «مرگ سودخور» صدرالدین عینی و «حاجی آقا» صادق هدایت آرایه‌های متعددی استفاده شده است که بیشترین آن کنایه می‌باشد و همچنین تشبیه و مبالغه. البته اگر ضرب‌المثل و توصیفات را هم جزو آرایه‌های ادبی حساب کنیم تعدادشان بیشتر می‌شود.

صادق هدایت از طریق شیوه صحبت کردن (مکالمه) شخصیت‌های خوب و بد اثرش، حاجی آقا را با استفاده از تلمیحات بسیار به اساطیر ایران، دین اسلامی و شعر فارسی سبک مردمی بروز داده است که این مسئله را عینی نیز بخوبی رعایت کرده است.

✓ کنایه در دو داستان «مرگ سودخور» و «حاجی آقا»

یکی از آرایه‌های مهمی که در دو اثر مرگ سودخور و حاجی آقا مورد استفاده زیادی قرار گرفته صنعت کنایه می‌باشد. علت آن شاید این باشد که این دو اثر، اثری هجوی هستند و نظر نویسندگان به شخصیتها انتقادی است و در بسیاری از موارد با استفاده از کنایه مناسب هم نویسنده و هم خواننده به این شخصیتها معین می‌شود.

کنایه «در لغت به معنی پوشیده سخن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگرند. پس گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و بکار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد». گفتن کنایه در آثار مردمی، کلاسیکی و امروزی بسیار استفاده می‌شود

و در آن گوینده یک معنی را تماماً به معنای دیگر که منطقیاً به هم نزدیک اند ادا می نماید. بخصوص در آثار هجوی عبارتهای ظاهراً توصیف کننده در واقع در حق یگان شخص به معنی تمسخر و پوزخند استفاده میشوند که به اصطلاح اینها را کنایه می نامند.

✓ تشبیه در داستان «مرگ سودخور» و «حاجی آقا»

اصطلاح تشبیه در علم بیان به معنی مانند کردن چیزی است به چیزی، مشروط بر این که آن ماندگی مبتنی بر کذب یا حداقل دروغ نما باشد. همچنین تشبیه واسطه ای است برای روشن و ریخته بیان شدن فکر و تأثیر بر خواننده.. تشبیه در مرگ سودخور به همین مقصد بسیار فراوان استفاده شده است. چنانکه در فصلهای بالا دیدیم عینی خصوصاً در تصویر چهره قاری اشکمبه، از تشبیه خیلی به جا و به موقع استفاده برده است.

همچنین تشبیه در داستان حاجی آقا مثل داستان مرگ سودخور نقش مهمی را ایفا می کند هنگامی که مراد از خرید نبات برای سردرد زبیده خانم (زیرا قند در خانه نبود) مورد مؤاخذه حاجی قرار می گیرد، حاجی برای زهره چشم گرفتن از مراد «چشم های (مشبه) مثل تغارش (مشبه به) را وردرانی» تا مراد حساب کار خودش را بکند و همچنین بابت تعجب زیرا حاجی اظهار می دارد که صبح زود کله قندشان را داده و حالا آنها میخواهند ناخنک بزنند. و بار دیگر وقتی است که منادی الحق با حرفهای تند و تیزش حاجی آقا را رسوا کرده و او را دزد و وارث دزد می دانسته و حتی وجود او را دشنام به بشریت می داند.

✓ مبالغه در داستان

طبق نظر اهل فن از جمله جلال همایی «مبالغه آن است که در صفت کردن و ستایش و نکوهش کسی یا چیزی افراط و زیاده روی کنند، چندانکه از حد عادت معمول بگذرد و برای شنونده شگفت انگیز باشد» (۲۶۲، ۱۵۹) چنانکه در فرهنگ اصطلاحات ادبیات شناسی آمده است «نویسنده برای روشن بیان نمودن یگان حادثه زندگی یا خصلت انسانی، برای پر تأثیر اظهار نمودن حس و هیجان خود آبرز یا واقعه تصویر کرده اش را از خودش زیاد کرده نشان می دهد که همین تصویر محاببات ناک مبالغه است. مبالغه... مخصوصاً در اثرهای هجوی برای برجسته تر تصویر نمودن خصلتهای جداگانه قهرمان ها استفاده می شود (۵۵، ۲۴۱). این نکته ها در داستانهای مرگ سودخور و حاجی آقا تطبیق شونده است.

بحث و نتیجه گیری

کوشش مقایسه کردن واقعه ها و حوادث در دو ادبیات فارسی مدرن تاجیکی و ایرانی حالت طبیعی است زیرا در فرهنگ این دو ملت شباهت های بسیاری است، آداب و رسوم تاجیکان و ایرانی ها بسیار شبیه هم هستند، آن ها به زبان هایی حرف می زنند که این زبان از یک مجموعه و گروه زبانی اند خلاصه این که هر دو (ملت) میراث خور یک فرهنگ و ادب و علم و هنراند. این حالت را مقایسه تألیفات نویسندگان پیشرو این ادبیاتها همچون صادق هدایت و صدرالدین عینی بخصوص داستانهای حاجی آقا و مرگ سودخور ثابت می نماید. داستانهای مذکور پیش از همه از جهت مضمون و محتوا و مسائل مورد تصویر به هم شباهت های زیادی دارند. نویسندگان موضوع رباخوری در آسیای مرکزی و ایران را به تصویر کشیده و ماهیت مضر آن را در حیات اقتصادی و زندگی مردم نشان می دهند.

از جهت مضمون و محتوا این دو داستان تا اندازه ای ادامه یکدیگرند یعنی حادثه و واقعه هایی پی در پی در هم را از زندگی مردم دو کشور فرا می گیرند. شباهت های داستان عینی و هدایت بخصوص در چهره شخصیت های اصلی آنها ظاهر می شود.

قهرمان های دو داستان یک ویژگی مشترک دارند: تنگ نظری، که به طور ایده آلی مناسب موقعیت های ایجاد تضاد است، همان چیزی که مد نظر هجو است. هر دو شخصیت تظاهر به بی پولی می کنند و اگر مرگ به این معنی نباشد که ثروت جمع شده را بگذاری و بروی، از مرگ هم نمی ترسند.

هر دو اثر تجسمی همراه با زندگی واقعی هستند و با جزئیات موشکافانه. هر دو اثر پر است از حقایق تاریخی. پس جدا از اینکه آنها مرجعی روانشناختی در آن دوره هستند می توان آنها را اسناد تاریخی بسیار مهمی، از نوع خاص، برای مورخان دانست. مبالغه های هجو آمیز به هیچ عنوان عامل بازدارنده مورخ نیست. چرا که او می فهمد که در این اثر چه چیز حقیقت است و چه چیز خیال پردازی خلاقانه. صدر الدین عینی علاوه بر قاری، شخصیت های چند بعدی بسیاری را در مرگ سود خور خلق کرده که هر کدام نمونه ای از دردهای گوناگون اجتماعی هستند مثلاً: نایب، کارمند بانک، قاضی، کسی که حکم بر علیه بی گناهان صادر می کند در حالیکه به بی گناهی آنها واقف است اما او «طبق شریعت عمل» می کند، کافیسیت دو شاهد معتبر پیدا کند تا علیه متهمین شهادت بدهند و حکم صادر شود. هدایت هم یک سری شخصیت های کلاهبردار دارد، مثل: یک مقام رده بالای جاه طلب، متدین نمایی که برای پول و نمود می کند که آدم مذهبی متعصبی است. هر دو شخصیت دائم به دنبال ارتباط با افرادی هستند که می خواهند با رشوه و زیرمیزی به مقصودشان برسند. قاری، حاجی و دیگر دوستانشان سمبلی از شیطان در جامعه هستند و به نظر هر دو نویسنده، همه آنها مرده اند و باید بمیرند.

مرگ سود خور و حاجی آقا آرزوی جامعه و مردمی بهتر دارند. ویژگی های بد شخصیت منفی در هر دو داستان به کار گرفته شده و ویژگی های مثبت در صحنه های مختلف ظاهر می شوند و هرگز قدرت قانع کردن شخصیت های بد را پیدا نمی کند، بر خلاف موارد زیادی که در داستان شخصیت بد رسوا می شود. اما دیگران همچنان آنها را باور دارند. توصیف ذات، حماقت و شرارت قهرمانهای داستان توسط عینی و هدایت درست بر خلاف ایده آل های خودشان آمده است.

هر دو نویسنده رمان کوتاه را بهترین قالب برای فهم اهداف هنری شان دانسته اند. زیرا این صورت ادبی می تواند شخصیت های زیادی را در خود جمع کرده و پیچیدگی زندگی را انعکاس می دهد. و در عین حال از هم گسسته نشود. در هر دو سنت ادبی، هجو قالب جدیدی است که نمی توان آن را با ادبیات سنتی قیاس کرد. داستان مرگ سود خور در جنگ جهانی اول به اوج می رسد و داستان حاجی آقا در جنگ جهانی دوم اتفاق می افتد.

اما در عین حال تفاوت های مهمی بین دو اثر وجود دارد. اول اینکه، مرگ سود خور یک داستان تاریخی است و در ارتباط با گذشته و محیط بومی داستان به نشان دادن ویژگی های بد انسانی از جمله: تنگ نظری، خود خواهی و دورویی، کمک می کند. اما بار سیاسی ندارد. چرا که شخصیت منفی که داستان به آن پرداخته کمتر جایی وجود دارد؛ موضوع اصلی داستان رباخواری، که دارایی کشاورزان را از آنها می گیرد و آنها را فقیر می کند.

اما بالعکس حاجی آقا یک هجو سیاسی بسیار عالی است. محتوایش بیشتر سیاسی است و مقصودش تهاجمی تر از مرگ سود خور است چرا که زمان نگارشش به هدف نقد اوضاع کشور، سیاست ها و اصول سیاسی شخصیت های حاکم بر جامعه نوشته شده است.

در نهایت به نظر می رسد هر دو نویسنده موفق به خلق یک اثر مستقل و تقریباً قدرتمند شده اند، آثاری که نه تنها بنیادش بر پایه تجربه ای واقعی است (رواج رباخواری و سایر خصائل رذیله گسترده در جامعه آن زمان) بلکه درک هنری آنها تصویری است یا یادآور مشکلات زندگی و به طور همزمان مرتبط با سنت ادبی و گرایشات جدید ادبی است. این دو اثر از بهترین آثار ملی محسوب می شوند و از اهمیت بسیاری برخوردارند، چرا که به عنوان آثاری منتقدانه و شجاعانه بر نگارش های آتی در حوزه فرهنگ و ادبیات فارسی و اسلامی تأثیر گذاشتند.

فهرست منابع

- ۱) احمدی، حمید، ۱۳۹۸، روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان: زنده کردن خط نیاکان و چالش سیاست، فصلنامه سیاست، دوره ۴۹، شماره ۲.
- ۲) اکبری شلدره ای، فریدون. درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، بهار ۱۳۸۲. - ۲۵۲ ص.
- ۳) امینی، اعظم، قادری خیرآباد، فاطمه، ۱۳۹۷، آثار مخرب ربا در جامعه اسلامی، کنفرانس بین المللی تحول و نوآوری در علوم انسانی، موسسه عالی و فناوری خوارزمی، شیراز.
- ۴) بدوخی، منوچهر، (۱۳۹۰)، تاثیر تعاملات اقتصادی در توسعه روابط ایران و تاجیکستان، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، دوره ۴، شماره ۱۷ - شماره پیاپی ۱۶.
- ۵) بهشتی، محمد حسین، ۱۳۶۹، ربا در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶) بهشتی، محمد حسین، ۱۳۸۶، بانکداری ربا و قوانین مالی اسلام، تهران، بقعه.
- ۷) پندار، مهدی، ویسی، رضا، ۱۳۹۹، سنجش انواع ریسک در نظام بانکداری بدون ربا (روش ترکیبی دیمتل و مدل سازی ساختاری تفسیری)، اقتصاد مالی، (۵۱) ۱۴، ۲۹-۵۴.
- ۸) تمیم داری، احمد، مرجان، علی اکبرزاده زهتاب، ۱۳۹۹، تحلیل و صورتبندی مضامین مذهبی (شیعی) و عرفانی در شعر معاصر تاجیکستان در دور [استقلال (۱۹۹۱-۲۰۱۵)]، نشریه علمی - پژوهشی جستارهای نوین ادبی، شماره ۲۰۸.
- ۹) جعفر زاده فیروز آبادی محمد کاظم، ۱۳۹۰، اصراف و چشم انداز جهاد اقتصادی، قم - صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مرکز پژوهش های اسلامی.
- ۱۰) حاجیان، خدیجه، ۱۳۹۴، بررسی ظرفیت های زبان و ادبیات فارسی در ترویج ارزش های انقلاب اسلامی در تاجیکستان و افغانستان، شماره ۳۱.
- ۱۱) خدایار، ابراهیم، ۱۳۹۸، تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک: از معار پروری تا استقلال و خودآگاهی ملی، متن پژوهی ادبی، سال ۲۳، شماره ۸۲.

- ۱۲) خراطها، سعید، (۱۳۹۱)، بررسی مقایسه مسائل جمعیتی موثر در حیات اجتماعی ایران و تاجیکستان، مطالعات جامعه شناختی ایران، دوره ۲، شماره ۷.
- ۱۳) رحمانی، محمد، ۱۳۸۷، بررسی مشترکات جغرافیای تاریخی فرهنگی، اجتماعی کشورهای ایران و تاجیکستان، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، دوره ۳، شماره ۶.
- ۱۴) رئیس، بهروز، ۱۳۹۴، ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان (با تاکید بر نظریه سازه انگاری)، فصلنامه علوم خبری، شماره ۱۵.
- ۱۵) سپانلو، محمدعلی. باز آفرینی واقعیت؛ مجموعه بیست و هفت قصه از بیست و هفت نویسنده معاصر ایران، تهران: نگاه، چاپ نهم، ۱۳۸۱ - ۶۲۰ ص.
- ۱۶) سید قطب رادمنش، سیدمحمد، ۱۳۶۰، مقابله اسلام با سرمایه داری و تفسیر آیات ربا، تهران، بنیاد علوم اسلامی.
- ۱۷) صدیقه عطرکار روشن - زهرا هاشمی، ۱۳۹۳، بهره، ربا، و ارزیابی دلایل حرمت آن به لحاظ اقتصادی، فصلنامه علمی، ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ششم.
- ۱۸) عبادیان، محمود. درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، تهران: گهرنشر، چاپ اول، ۱۳۷۱ - ۱۰۳ ص.
- ۱۹) علم الهدی، سید سجاد. (۱۳۹۷). بانکداری اسلامی و ریسک، یک تحلیل تطبیقی. اقتصاد مالی، ۱۲(۴۴)، ۶۹-۸۶.
- ۲۰) علوی، یحیی، ۱۳۸۸، بانکداری بدون ربا، تهران - دانشگاه امام صادق.
- ۲۱) عیوضلو بکی حسکویی، حسین مرتضی، ۱۳۸۸، بانکداری و تامین مالی اسلامی (مجموعه مقالات و سخنرانی ها)، تهران، دانشگاه امام صادق.
- ۲۲) غروی، سید فرشید، نقی لو، احمد، رحیم زاده، اشکان، ۱۴۰۲، اثرات اوراق قرضه اسلامی (صکوک) بر رشد اقتصادی بر اساس یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی DSGE. اقتصاد مالی، ۱۷(۶۳)، ۲۷۳-۳۱۲.
- ۲۳) فوزی، یحیی، نعیمی برچلوبی، فرحناز ۱۳۹۵، گسترش زبان فارسی و چالشهای سیاسی فراروی آن، کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، باتومی، گرجستان.
- ۲۴) قائمیان، حسن. نظریات نویسندگان بزرگ خارجی درباره صادق هدایت و آثار او، تهران: امیرکبیر، کتابهای پرستو، چاپ سوم، ۱۳۴۳ - ۲۹۲ ص.
- ۲۵) قوام، سید عبدالعلی، محمد، ندا، ۱۳۸۹، بحران هویت ملی و شکاف دولت و ملت در عصر جهانی شدن: نقش زبان و مذهب در بحث هویت ملی در تاجیکستان و قزاقستان، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، دوره ۳، شماره ۱۲.
- ۲۶) کمیسارف و روزنفلد، مقدمه منتخبات صادق هدایت // ترجمه حسن قائمیان، سخن، ۹، شش ۹، ۱۳۳۷ - ص ۸۴۸-۸۳۹. // کمیسارف، دانیل سمیونویچ، درباره زندگی و آثار هدایت، ترجمه حسن قائمیان، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۵.
- ۵۹ ص.
- ۲۷) لیراوی و همکاران، صادق، ۱۳۹۰، مبانی الزامات و موانع جهاد اقتصادی، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

- ۲۸) محمدجعفر جوادی ارجمند، مرتضی اسمعیلی، ۱۳۹۱، جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳ - شماره پیاپی ۳.
- ۲۹) محمودی، مرتضی، ۱۳۸۸، گفتمان و همگرایی زبانهای فارسی و تاجیکی از دیرباز تاکنون، فصلنامه مطالعات نقد ادبی، دوره ۴، شماره ۱۵.
- ۳۰) محمودی، مرتضی، ۱۳۹۲، تعاملات اقتصادی تاجیکستان و ایران و دورنمای آینده روابط دو کشور در دهه‌های اخیر، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، شماره ۲۴.
- ۳۱) مستشاری، علیرضا، ۱۳۹۲، حیل‌های فرار از ربا، قم، دفتر نشر معارف.
- ۳۲) مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴، ربا - بانک - بیمه، تهران، انتشارات صدرا.
- ۳۳) مقصودی، مجتبی، عرب، منیره، ۱۳۹۰، شاهنامه عرصه تعامل فرهنگی - هویتی ایران با کشورهای فارسی زبان، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۴.
- ۳۴) نفیسی، سعید. شاهکارهای نثر فارسی معاصر، تهران: معرفت، ۱۳۳۶ - ۳۷۹ ص.
- ۳۵) وحیدی، محمد، ۱۳۸۹، درآمد‌های حلال و حرام، قم، سنابل.
- ۳۶) وفایی، عباسعلی، شفیق پور فومنی، محمداسماعیل، ۱۳۹۶، فصلنامه زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه خوارزمی)، سال بیست و پنجم، شماره ۲۸ (پیاپی ۸۳).
- ۳۷) هدایت، صادق. بوف کور، تهران: مرکز، ۱۳۸۳ - ۱۴۶ ص.
- ۳۸) هدایت، صادق. پروین دختر ساسان و اصفهان نصف جهان، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۳ - ۱۴۴ ص.
- ۳۹) هدایت، صادق. توپ مرواری، آلمان: سازمان‌های سوسیالیست‌های ایران، ۱۳۶۴ - ۱۲۷ ص.
- ۴۰) هدایت، صادق. سه قطره خون، تهران: امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۴۱ - ۱۸۴ ص. مین سمت باقی بود (۱۶۶، ۱۰۸).
- 41) Азизі Б. Устоџи њальвнавис // Барои адабиџети соцџиалистї, 1935, № 11-12, сањ. 26-26.
- 42) Айні С. Куллиџт. Љилди VIII. - Сталинобод: Нашриџти давлатии Тољикистон, 1981. - 522 сањ.
- 43) Айні С. Куллиџт. Љилди XI. Китоби дуом. - Сталинобод: Нашриџти давлатии Тољикистон, 1960. - 476 сањ.
- 44) Айні С. Куллиџт. Љилди XIV. - Сталинобод: Нашриџти давлатии Тољикистон, 2005. - 270 сањ.
- 45) Айні С. Марги судхўр (Матни илми). Бо кўшиш ва энџимоми А. Кўчаров. - Душанбе: Адиб, 2010. - 233 сањ.
- 46) Шакурї М. Нигоње ба адабиџти садаи XX. - Душанбе, 2006. - 456 сањ.
- 47) Шакурї М. Хуросон аст ин љо: мањнавиџт, забон ва энџи миллии тољикон. - Душанбе: Оли Сомон, 1997. - 292 сањ.
- 48) Шокир Мухтор. Адабиџти тољик дар Фаронса. - Душанбе: Ирфон, 1975. - 145 сањ.
- 49) Энциклопедииаи адабиџт ва санъати тољик. Љилди III. - Душанбе: Сарредаксииаи илмии энциклопедииаи советии тољик, 2004. - 524 сањ.

Explaining the economic and social effects of usury with an
emphasis on the role of Persian literature
(Case study: works of authors from Iran and Tajikistan)

Marjan Madani Garakani¹
Umar Safar²

Received: 19 / July / 2023 Accepted: 01 / September / 2023

Abstract

The subject of the current research is a comparative study of the work of Sadr Alddin Eini with the title "Death of the usurer" or the usurer, and the story "Haji Agha" by Sadegh Hedayat, based on the similarities and contrasts as well as the metaphors used in each of these works. In relation to the negative economic and social effects of usury, the cultural and religious commonalities of both Iranian and Tajik nations should be mentioned in this regard, Sadr Alddin Eini's "The Profiteer's Death" in the Tajik literature of the former Soviet era as the best realistic work in promoting and increasing the value of modern prose. Tajikistan has provided assistance. "Haji Agha" by Sadegh Hedayat is also one of the exceptional works, which testifies to the author's special style and style, his realistic art. And these works are not only known as valuable works of these literatures, but also express a special style and method, especially a clear example of the school of realism in the prose of Persian speakers. Therefore, it can be said that Tajik and Iranian Persian literature deserves to be examined from a comparative perspective to reveal the generality and commonalities in them. The basis of the methodology of this research is historical-comparative analysis. Matching or comparing the source is rich in sources of human knowledge. In his various investigations, man has chosen comparison and comparison as a way to reach the original facts related to his research fields. The importance of comparative criticism is that it reveals the sources of intellectual and artistic currents of literature. The result of the present research shows that above all, the above-mentioned stories are very similar in terms of theme and content and the issues depicted. The authors depict the issue of usury in Central Asia and Iran and show its harmful nature in the economic life and people's lives.

KeyWords: Islamic economy, Persian Literature, Usury.

JEL: G39, Z10, Z00

1 Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan. Marjan.Madani2022@gmail.com

2 Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Language and Literature, National University of Tajikistan, Dushanbe, Tajikistan (corresponding Author) umarsafar@yahoo.com
Ecj@tauctb.ac.ir





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی